

## رنگ سیاه در روانشناسی و قرآن

زینب روستائی فارسی

دانشجو رشته راهنمایی و مشاوره

roustafarsi@gmail.com

### چکیده

این مقاله در پی اثبات این ادعاست که خداوند در بسیاری از آیه ها مربوط به رنگ سیاه، به آثار روانی رنگ بر شخصیت انسان اشاره کرده است. از جمله خصوصیات منفی این رنگ، بدبینی، خشونت، لجاجت و اندوه است و از جمله خصوصیات مثبت آن می تواند رنگی اشرافی، دارای اقتدار و بزرگی باشد و رنگی مورد پسند سیاستمداران است. این رنگ ها در انسان ها اثری خواه مثبت و یا منفی برجای می گذارد. این تأثیرات ممکن است فیزیکی یا روانی باشد، که بعد روانی آن مهم تر و آشکار تر است. علم روانشناسی رنگ ها، علمی نوین و نوپاست، قرآن هم جامع تمامی علوم است و بشر را نیز از این علم بی بهره نگذاشت و طعم این علم را از چهارده قرن قبل به ذائقه اش چشاند. نویسنده پس از بررسی آیات شریفه قرآن درباره رنگ سیاه به روایات در باره رنگ سیاه پرداخته است.

واژگان کلیدی: قرآن، روانشناسی، رنگ سیاه

**مقدمه**

اعجاز علمی یکی از ابعاد گوناگون اعجاز قرآن است که از جنبه های متفاوتی قابل بررسی است. یکی از شگفتی های مطرح شده در قرآن، مسائل مربوط به رنگ ها است که در مورد برخی از آن ها ادعای اعجاز شده است، چون قرآن شاید برای اولین بار به برخی آثار رنگ ها اشاره کرده است و بشر از زمان نزول قرآن، به آن ها پی نبرده بود. با اثبات اعجاز علمی در پدیده (( رنگ ها )) می توان پرده از روی یکی دیگر از ابعاد اعجاز علمی این کتاب آسمانی برداشت.

تدبیر آفریدگار در خلق رنگ های موجود در عالم هستی است. خداوند آنچنان زیبایی خاصی به مخلوقات می دهد که هر یک در جایگاه مخصوص خود جلوه گر می شوند. واضح است که تأثیر انسان از رنگ، ماهیت کاملاً روانی داشته و به طور غیر مستقیم در هنجار ها، واکنش ها و رفتار های فرد مؤثر است. اما باید توجه داشت؛ وقتی که از رنگ ها و اثرات جسمی و روحی آن بحث می کنیم، نباید انتظار اثرات شدید و قابل احساس برای همه داشت، بلکه اثرات جزئی است؛ زیرا در طول مدت طولانی روی هم انباشته می شود، آثار و نتایج گسترده ایی را در زندگی انسان بر جای می گذارد.

اولیور یوفراری معتقد است ارتباط درک ما از زیبایی با رنگ، بسیار ساده و فوری است و اگر هم هیچ شناخت تئوریک نسبت به رنگ نداشته باشیم، به طور غریزی در موقعیتی قرار داریم که رنگ به راحتی در ما نفوذ می کند و عمق و گرما و توانالیه آن، یعنی کیفیت عینی آن با بعضی از احساسات آمیخته می گردد.

هر آنچه در طبیعت وجود دارد به نوعی با ساختمان روحی و جسمی انسان مرتبط است. رنگ های موجود در طبیعت در واقع، تعدیل کننده نیاز های روحی و روانی انسان اند، همچنین تأمین کننده سلامت چشم و تعادل در جسم و روح نیز می باشد. در اسلام توجه خاصی به مسأله رنگ شده و بیان دستورات بسیار درباره رنگ لباس و تأثیر پذیری نامحسوس و کلی آن در زندگی حاکی از این مسأله مهم می باشد. رنگ های بیان شده در قرآن کریم هم از این نکته مستثنی نمی باشد، از آن جا که در قرآن، از رنگ های گوناگون سفید، سیاه، سرخ، سبز و... یاد شده، در این مقاله ما به بررسی این موضوع می پردازیم که رنگ سیاه در چه آیاتی به کار رفته است، انگاه به تطبیق این آیات به نظرات مراجع، روانشناسان و آنچه علم جدید به آن رسیده خواهیم پرداخت.

تأثیر رنگ سیاه در همنشینی و ترکیب با رنگ سفید:

در آیات زیر رنگ سیاه و سفید به صورت زیبایی در کنار هم آمده اند، زیباتر از همه این است که این دو رنگ در یک کلمه که آن (( حور )) می باشد آمده است:

۱- آیه ۲۲ سوره واقعه: « و حور عین »

۲- آیه ۵۴ سوره دخان: « کذلک و زوجنا هم بحور عین »

۳- آیه ۲۰ سوره طور: « متکئین علی سرر مصفوفه ی و زوجنا هم بحور عین »

۴- آیه ۲۷ سوره رحمان: « حور مقصرات فی الخیام »

حور در لغت « شدت سفیدی چشم در شدت سیاهی آن است » (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۰۶) و «سفید بودن سفیده ی چشم به غایت سفیدی و سیاهی آن به غایت سیاهی» (ابولفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۱۹) چنان که از معنای حور در لغت و تفاسیر بر می آید، حور دارای رنگ سفید و سیاه است و مابقی علم امروزی به اثبات رسانده که استفاده از رنگ سیاه و سفید در کنار هم باعث می شود که فرد از درون آرامش یابد و عدم تعادل و توازن وی از بین برود.

**اختلاف شب و روز در قرآن کریم:**

سفیدی روز و سیاهی شب و اختلاف شب و روز در آیات مختلف قرآن به چشم می خورد و خداوند آن را آیتی برای اهل تقوا، تفکر و تعقل می داند. در هنگام شب به علت عدم وجود نور خورشید بر گستره ی زمین و درخشش زیبای ستارگان و ماه آسمانی همگی رنگ کبود (آبی تیره متمایل به سیاه) به خود می گیرد. وجود این رنگ سرد و آرامش بخش، موجودات را به خواب فرو

می برد و باعث آرامشی می شود، که قرآن کریم از آن در آیات مختلفی یاد می کند. تأثیر این رنگ به حدی است که موجودات را از کار و فعالیت باز داشته و بستر مناسبی را برای استراحت آنان آماده می کند. پس خداوند نور و ظلمت را که ضد یکدیگر هستند را برای نظام عالم آفریده است. (مجلسی ۱۴۰۴، ق: ۱۲۲)

### رنگ سیاه از دیدگاه قرآن:

رنگ سیاه در قرآن به منزله رنگی منفی که با بدبینی و اهریمنی مربوط است تلقی می شود. در هفت آیه از قرآن کلمه «سیاهی» آمده است که به عنوان رنگ خشم و بی نوری و بدی یاد شده است. سیاه در بیشتر موارد در مقابل سفید می باشد، از رنگ جاده تا چهره دوزخیان و کسانی که از ولادت دختری ناراحت می شدند به رنگ سیاه تعبیر شده است. قرآن مجید در هفت مورد به طور صریح و در دو مورد به طور غیر صریح به واژه «سود» (سیاه) و مشتقات آن اشاره دارد. یک مورد از آن ها به مبحث نور ارتباط دارد و موارد دیگر به رنگ. واژه سیاه در قرآن شامل کلمات اسود، سَوَدَت، مَسَوَدَا، مسوده و سود می باشد.

### تأثیر رنگ سیاه از منظر قرآن کریم

#### ۱- آیه ۱۸۷ سوره بقره؛ رشته ی سیاه:

((... وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ السَّوَدُ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَّامَ إِلَى الْآلِیِّ))

«و بخورید و بیاشامید تا رشته سپیده صبح از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب تکمیل کنید». این عملکرد فطری در انسان بیانگر این است که انسان ناخودآگاه تحت تأثیر رنگ ها قرار می گیرد و با کشیده شدن پرده آبی تیره بر آسمان احساس نیاز به استراحت و آرامش در او به وجود آید؛ و با طلوع صبح و آشکار شدن نور و روشنایی زرد رنگ به انسان تکاپو و فعالیت دست می دهد. بنابراین پیشینه شناخت رنگ ها و احساس نیاز به آن ها به صورت تکوینی در خلقت وجود داشته است.

در پایان شب نخست یک سفیدی بسیار کم رنگ به طور عمودی در آسمان پیدا می شود که آن را به دم روباه تشبیه کرده اند و این همان صبح کاذب است، اما کمی بعد از آن سفیدی شفاف به طور افقی و در امتداد افق نمایان می شود که همچون رشته نخ سپیدی است که در کنار رشته سیاه کشیده شده است، این همان صبح صادق است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۵۶)

سپیدی و سیاهی، روشنی و تاریکی صبحگاهان است. در آیه شریفه اولین اشعه های ارسالی از طرف خورشید به رنگ سفید معرفی شده است و سیاهی نیز عدم وجود این تشعشعات است. وقتی اولین سپیده صبح ظاهر می شود مثل این است که پرده شب شکافته شده، از این رو کلمه فجر به کار می رود که در اصل به معنای شکافتن است.

درباره رشته سپید و سیاه در صبح، چنین نیز گفته می شود که در پایان شب، ابتدا سپیده ی کم رنگی به صورت عمودی در آسمان پدیدار می گردد. این سپیدی را به دم روباه تشبیه کرده اند که صبح کاذب است. پس از آن یا سپیدی شفاف به طور افقی و در امتداد افق ظاهر می شود که این وضعیت، صبح صادق و زمان آغاز روزه و نماز صبح است. در زمان پیامبر(ص) شخصی به نام عدی بن حاتم با استفاده از ظاهر آیه، ریسمان سیاه و سپیدی را به دست گرفت تا هنگام مشخص شدن آن ها از یکدیگر، زمان نماز و روزه را تشخیص دهد، این کار او باعث خنده پیامبر(ص) شد.

#### ۲- آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره آل عمران؛ چهره سیاه دوزخیان:

((يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ))

«روزی که چهره هایی سپید و چهره هایی سیاه می گردد، اما آنان که صورت هایشان تیره گشته [به آنان گفته می شود]: آیا پس از ایمان آوردن، کافر شدید!»

علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان، در ذیل این آیه می فرماید:

چون مقام، مقام کفر و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی است و کفران نعمت هم خیانتی است که موجب انفعال و خجالت صاحبش می شود، لذا خدای متعال در ذکر عذاب آخرتی این گونه افراد، آن را که با خجالت و انفعال مناسب می باشد یادآوری نموده است؛ یعنی از سیاه شدن چهره گناهکاران نام برده است که در دنیا هم سیاه شدن چهره کنایه از همین خجالت می دانند. روسپاهی دروغگویان در قیات نشانه خواری و رسوایی آنهاست. عرصه قیامت عرصه بروز اسرار نهان و تجسم اعمال و افکار است، آن ها در این دنیا قلب های سیاه و تاریک داشتند و اعمالشان همچون افکارشان تیره و تار بود، در آن جا این حال درونی به برون منتقل می شود و چهره هایشان سیاه خواهد بود. از رنگ سیاه به صورت منفی یاد شده است، روانشناسان رنگ سیاه را بی رنگی مطلق می دانند که تمام رغبت ها را از بین می برد. از این رو در قرآن چهره دوزخیان با رنگ سیاه نشان داده شده است؛ به گونه ایی که کسی به آن ها توجه ندارد.

سخن از قیامت و جدایی مردمان است که با رنگ چهره هایشان از هم متمایز می شوند. چهره سفید، چهره هایی نورانی و چهره های سیاه، چهره هایی تاریک و ظلمانی خواهد بود. در قیامت، رو سفیدی و رو سیاهی دنیا که شکل مجازی دارد، به صورت حقیقی ظاهر می شود.

### ۳- آیه ۵۸ سوره نحل؛ صورت سیاه از تولد دختر:

(( وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهًا مَسْوُودًا وَهُوَ كَظِيمٌ ))

« و هرگاه به یکی از آن ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش [از فرط ناراحتی] سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد ».

سیاه رنگ مرموزی است که مرتبط با ترس و ناشناخته هاست. این رنگ معمولاً بار معنایی منفی را به همراه دارد. گاهی اوقات برای شناختن باطن کسی نیاز به سؤال و تفحص نیست؛ زیرا از رنگ چهره همه چیز مشخص است، چنان که به این مسئله در قرآن کریم اشاره شده است:

مقصود از «سواد» و سیاه شدن روی، «خشمناک شدن» است و «کظیم» به کسی می گویند که اندوه و خشم خود را فرو برد. در این شاید تشبیه صورت به رنگ سیاه به این سبب باشد که آنان از شدت خشم و ناراحتی از تولد دختر رویشان سیاه شده، خشم خود را فرو می برند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۳:۵۴۲)

سیاه شدن روی، در این آیه، کنایه ایی است از خشمگین شدن؛ چنان که وقتی فردی خشمگین می شود و رگ های گردن او متورم می گردد چهره اش حالت کبودی و تیرگی پیدا میکند، ولی نکته ایی که قابل تأمل است اینکه در این آیه شریفه از سیاهی چهره یاد می کند و خشم را همراه با این تیرگی توصیف می نماید. خشمی که از روی جهالت و اندیشه های غلط است. جالب اینجاست که قوم عرب با آن که از فرزند دختر کراهت زیادی داشتند و از شنیدن مژده اش سیاه چهره می شدند، اما فرشتگان را مؤنث و دختر خدا می دانستند.

تعابیر خداوند از رنگ ها و جایگاه به کار بردن هر رنگی دقیقاً با توجه به خواص و آثار آن رنگ ها و هر یک از در جای خود می باشد. قرآن، رنگ سیاه را برای چهره ی غضبناک انسان های بی می آورد که برخلاف میل دختر دار شده اند و می فرماید سیاهی نماد جهالت، نادانی و گمراهی است که در این آیه به خوبی مشاهده می گردد و این همان چیزی است که روانشناسان می گویند: سیاه نشانه ظلمت، خشونت و گناه است. (لوشر، ۱۳۸۳: ۷۹)

کاندینسکی می گوید: رنگ سیاه، نشانگر عدم و نیستی و مانند سکوتی ابدی، بدون آینده و امید است، بدین معنی که پایان راه یا آن توفقی را می نمایند که در پایان کامل نطق پدید می آید. گویی که این رنگ اصلاً صدایی ندارد، هر رنگی که بر روی سیاه قرار گیرد، برجسته تر و مشخص تر می شود.

### ۴- آیه ۶۰ سوره زمر؛ رخساره سیاه اهل عذاب:

(( وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَةٌ أَلْيَسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ))

« و روز قیامت را کسانی که برخدا دروغ بسته اند رو سیاه می بینی؛ آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟! » در روز قیامت جهنمیان و اهل عذاب با نفی کردار خود به دنبال چاره ایی برای توجیه و جبران اعمال خود در دنیا می باشند، درحالی که چهره شان سیاه و کبود شده است. روانشناسان معتقدند که سیاه منجر به رفتار جبرانی می گردد. چنین شخصی می خواهد چیزی را نفی کند که بیرون از دایره لجوجانه او نسبت به وضع موجودی است که وی احساس می کند هیچ چیز آن طور که باید و شاید نیست. این شخص در برابر سرنوشت خود و یا دست کم در برابر خود قد علم می کند و در معرض رفتار عجولانه و غیر عاقلانه در این مورد می باشد. ( یوزباشی، ۱۳۸۶: ۷۹ )

این آیه اشاره دارد به اینکه چگونه کفر و تفرقه و بازگشت به جاهلیت موجب روسیاهی است و چگونه اسلام و ایمان و اتحاد و صمیمیت موجب روسفیدی است. ( مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۳: ۹۵ )

#### ۵- آیه ۲۷ سوره ملک؛ زشتی و سیاهی رخساره کفار در روز قیامت:

(( فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئًا وَجُوهُهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ))

« وقتی آن [عذاب] را از نزدیک مشاهده کنند؛ چهره کسانی که کفر ورزیده اند، زشت [و سیاه] گردد و گفته شود این همان [ وعده عذابی] است که تقاضایش را داشتید ».

رنگ سیاه با عظمت عمیقش برای تاریک کردن نورها به کار می رود: رنگ خویش کند. امروز ایشان را به رنگ دوستی بر آرد و فردا به نور خود رنگین کند.

#### ۶- آیه ۲۷ سوره فاطر؛ جاده های سیاه:

(( أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ ))

« آیا ندیدی که خداوند باران را از آسمان فرو بارید و به انواع میوه های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد و از کوه ها (معادن) به طرق گوناگون و اصناف و رنگ های مختلف سفید و سرخ و سیاه خلق نمود ».

طبق این آیه کوه ها کوه ها به رنگ سفید خالص نیستند؛ چنانچه در علم روانشناسی رنگ ها آمده است که رنگ سفید کامل حتی در مدت کم قدرت دید را به علت خستگی اعصاب و عضلات چشم را تغییر داده، دچار حوادث حاد و مزمن می کند، که در صورت مداومت، ممکن است تا مرحله ایجاد کوری پیش رود، مانند تماس طولانی با برف و یا منبع نور شدید طبیعی یا مصنوعی. ( یوزباشی، ۱۳۸۶: ۱۹ )

از آیه بعد این سوره مفهوم می شود بعضی از حیوانات و انسان ها نیز، مثل کوه ها و میوه ها، دارای رنگ های مختلف هستند؛ بعضی سفید، بعضی سرخ، و بعضی سیاه هستند و مختصر در این سه رنگ هم نیستند. ( طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۵ )

#### ۷- آیه ۴۰ و ۴۱ سوره عبس؛ تاریکی و کدورت چهره ی کفار در قیامت:

(( وَ وَجُوهُهُمُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ))

« و صورت هایی در آن روز غبار آلود است و دود تاریکی آنها را پوشانده است ».

در تفسیر صافی «قتره» را سیاهی و ظلکت معنا کرده و شاید به اصطلاح مفهوم لازمی یا ملازم آن باشد. یعنی لازمه تاریکی و آمیختگی با غبار تیره یا ملازم آن سیاهی و کدورت وجه است.

#### ۸- آیه ۱۷ سوره زخرف؛ سیاه شدن چهره عرب ها، هنگام بشارت به نوزاد دختر:

(( وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ))

« و هنگامی که به یکی از مشرکان عرب آنچه [ =دختری] آرا که برای خدا قرار داده بودند، بشارت داده می شد، چهره اش را سیاهی می گرفت و سخت رنجیده خاطر می شد ».

آیات بعدی درباره ی رنگ چهره ی اهل دوزخ در جهان آخرت است و تفاوتش با دو آیه قبل در این است که رخساره و اندام جهنمیان واقعا سیاه است، نه آن که سیاهی - آن هم از جنس رنگ های دنیوی که در آیات این مورد نظر برخواسته از تجمع خون ها حامل دی اکسید کربن در صورت است - عارض شده باشد.

### روایاتی در مورد رنگ سیاه :

۱) در جنگ صفین وقتی خوارج از علی (ع) کناره گیری کردند، بر علی این خبر رسید؛ بنا به خواست خدا و معاویه، باید پیرو ما باشد و از ما متابعت کند. اینک چون ما به خطای خویش در کار پیمان پی برده ایم، تو نیز به اشتباه خود اعتراف و توبه کن. علی (ع) دلتنگ از این سخن بالای منبر رفت و فرمودند: ای سپاهیان خدا و سربازان من، با یک حمله برق آسا این سپاه را که از بیماری، همچون شب سیاه از هم بدرید و این سراپرده و خیمه را با طناب های ضخیم افراشته شده برکنده و در هم بکوبید زیرا که در گوشه و کنارش شیطان زشت منظر و پست پنهان شده و در کمین شما نشسته است. (نهج البلاغه: ۱۸۱)

همچنین پیش از واقعه جنگ صفین علی (ع) زمام امور و حکومت را به محمد بن ابی بکر سپرد اما چون عمروعاص به هنگام بیعت و پیمان با معاویه ار او حکومت مصر را خواسته بود، لذا معاویه او را با لشکریان زیاد به سراغ محمد بن ابی بکر فرستاد و سپس ابی بکر را فرار و به مصر گریخت، ولی سرانجام او را درحالی که از تشنگی نزدیک هلاکت بود پیاده کرد. سر از بدنش جدا و تن بی جانش را درشکم مرده خواری نهاد و او را سوزانید. وقتی این خبر به علی (ع) رسید سخت اندوهگین شد و این خطبه را درباره او گفت:

خداوند او را خوار و بی آبرو کند. پروردگار بختتان را سیاه و سرنوشتتان را سیاه سازد. (نهج البلاغه: ۱۸۷)

۲) در مورد مذمت رنگ سیاه، روایاتی وارد شده است، از آن جمله؛ فرمایش امام صادق (ع) است:

(( كان رسول الله (ص) يُكره السَّوداءِ إلَّا في ثلاثه : العمامه و الخف و الكسا ))

« رسول خدا (ص) در پوشیدن چیزی به رنگ سیاه اکراه داشت، مگر سه چیز: عمامه کفش و عبا.

۳) در مورد مدح رنگ سیاه، وارد شده است که ((قال رسول الله (ص) : أَحَبَّ خُضَابِكُمْ إلی الله الحَالِكُ ))

« خداوند رنگ سیاه را برای خضاب، بیشتر دوست می دارد. »

و یا در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده است: (( أن رجلاً دَخَلَ علی رسول الله (ص) ... وَ قد خَضِبَ بالسَّوادِ فَضَحِكَ إلیه فقال هذا أَحْسَنُ من ذاک ذاک ))

« مردب در حالی که ریش هایش را به رنگ زرد، و برای بار دوم به رنگ قرمز حنا و برای بار سوم به رنگ سیاه خضاب کرده بود، نزد رسول خدا (ص) آمده، و ایشان کار او را پسندیدند، بار سوم به او خندیدند و فرمودند: این رنگ برای خضاب، از دو رنگ قبل بهتر است.

### رنگ سیاه چادر زنان :

از نظر اسلام، سیاه بودن رنگ لباس کراهت دارد پس چرا پوشیدن چادر سیاه برای زنان مکروه نبوده و مورد پسند اسلام هست؟ در جواب این سؤال باید بگوییم هر چند رنگ سیاه در اسلام کراهت دارد ولی این حکم به طور صددرصد نبوده و در چند مورد، استثنا شده و کراهتی ندارد. برخی از این موارد عبارتند از:

#### ۱- پوشیدن لباس سیاه در مراسم عزاداری

استفاده از رنگ مشکی در مراسم عزاداری کراهتی ندارد و اگر آن مراسم عزاداری، برای معصومین باشد ثواب هم دارد. محکم ترین دلیل این مطلب، اینست که خود ائمه به صورت عملی چنین کاری را تأیید کرده اند؛ مثلاً امام حسن در سوگ امیرالمؤمنین علی جامه سیاه بر تن کرد و با همین جامه به میان مردم آمد. (شرح نهج البلاغه، جلد ۱۶: ۲۲)

مراجع تقلید نیز بر همین اساس استفاده از لباس سیاه برای عزاداری را مکروه نمی دانند؛ مثلاً آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می فرماید: «با توجه به اینکه لباس مشکی در عزای اهل بیت تعظیم شعائر الهی محسوب می شود، اشکالی ندارد و مکروه نیست.»

تأثیر روانی پوشیدن لباس سیاه در هنگام عزاداری نیز قابل توجه است، زیرا یکی از آثار رنگ سیاه، آن است که این رنگ به صورت طبیعی، رنگی حزن آور و دلگیر و مناسب عزا و ماتم است. از همین رو، بسیاری از مردم جهان از این رنگ برای اظهار اندوه در مرگ دوستان و عزیزان خود استفاده می کنند. کسی که در ماتم عزیزان خویش، جامه ی سیاه می پوشد با این عمل می خواهد بفهماند که عزیز از دست رفته، مایه روشنی چشم و فروغ دیدگانم بود و از دنیا رفتن او زندگی را در چشمم تیره و تار ساخته است.

## ۲- استفاده از حجاب مشکی برای زنان

از نظر اسلام، حجاب زن باید پوشاننده بدن او باشد و همچنین هنگام مواجهه با نامحرم جلب توجه ننماید. بدیهی است که رنگ مشکی در مقایسه با رنگ های دیگر به نحو شایسته پوشش غلیظتر و بهتری را برای زن تأمین می کند. استفاده از حجاب مشکی بر خلاف ادعاهای به ظاهر علمی بعضی از افراد، نه تنها عارضه منفی ندارد، بلکه با فلسفه حجاب، یعنی عدم تحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است. امروزه در روانشناسی رنگها، این که رنگ مشکی باعث تحریک و جلب توجه نمی شود، یک واقعیت مسلم است.

«ماکس لوشر» در کتاب روانشناسی رنگها درباره رنگ سیاه می گوید: «رنگ سیاه نمایانگر مرز مطلق است.» خانمی که از حجاب مشکی استفاده می کند با این کار، مرز کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می نماید. او می خواهد نشان دهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم، حریم حیا و عقّت است، نه جای بی حیایی و هوس بازی؛ هم چنین در همین کتاب آمده است که «سیاه به معنای (نه) بوده و نقطه مقابل آن (بله) یعنی رنگ سفید است.» بنابراین، وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می کنند، در واقع می خواهند به او (نه) بگویند؛ و در مقابل، آنهایی که لباس سفید و روشن می پوشند، در واقع راه نگاهها را به سوی خود باز می گذارند.

از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه مشکی را می بیند، دیگر چندان رغبتی برای نگاه کردن ندارد و خودبه خود نظر را برمی گرداند؛ و در مقابل، نگاه به رنگ های روشن چشم را باز می کند و برای دیدن و استمرار آن رغبت ایجاد می کند. اما عده ای با پذیرش این پیش فرض که استفاده از حجاب مشکی، همیشه نشانه عزا و فقدان شادی است، تلاش می کنند افراد استفاده کننده از حجاب های مشکی را افراد غمگین، و افراد استفاده کننده از لباس های رنگین را افراد شاد بدانند؛ حال آن که این تصور و پیش فرض، نادرست است؛ زیرا نه همه افرادی که از حجاب های مشکی استفاده می کنند، لزوماً افراد غمگین اند، و نه همه افرادی که از لباس های رنگین استفاده می کنند، لزوماً افراد شادی هستند. علاوه بر اینکه گاهی از نظر عده ای پوشیدن لباس مشکی نشانه زیبایی است؛ و یا گاهی پوشش مشکی، نشانه وقار و سنگینی بوده و در خیلی از مجالس رسمی معمولاً از لباس تیره رنگ استفاده می شود.

البته باید توجه کرد که اسلام به روحیه خانم ها نیز توجه کرده است و گفته زنها در مجالسی که افراد نامحرم حضور ندارند، مثل مجالس زنانه و همچنین در حضور شوهر و افراد محرم، می توانند از زیورآلات و لباس های شاد و روشن استفاده نمایند و حتی در روایات به استفاده از زینت ها و زیباترین لباس ها در مقابل همسر تشویق شده اند؛ زیرا همان گونه که حجاب و پوشش، نیاز فطری انسان، خصوصاً زنان است، استفاده از زیورآلات و خودآرایی نیز نیاز فطری انسان، مخصوصاً بانوان است. (جمالی، ۱۳۹۰)

## روانشناسی رنگ سیاه :

رنگ سیاه قوی ترین و مقتدر ترین رنگ است. رنگ سیاه نور را جذب می کند، فضا را کوچکتر نشان می دهد، این رنگ احساس قاطعیت، الزام و رسمیت را به وجود می آورد.

رنگ سیاه دارای یک حس ناشناخته و پر رمز و راز است که آن را نشانه تاریکی و مرگ می دانند. این رنگ با خود ترس و وحشت به همراه می آورد و به همین دلیل لباس مأموران ویژه ی امنیتی را سیاه انتخاب میکنند. رنگ سیاه پر رنگ و درخشان نشانه حفظ هوشمندان ی اطلاعات و اسرار است و جاسوسان و قاتلان را به ساد می آورد.

رنگ سیاه کمک می کند تا افراد توانایی بیشتری در تمرکز کردن داشته باشند. در تاریکی، بهتر می توان بر عواطف و احساسات خود تمرکز کرد. رنگ سیاه با ابهت، رسمی، محترم و تاحدودی ترسناک است و اگر زیاد مورد استفاده قرار گیرد، ممکن است حالت تهاجمی در فرد به وجود آورد. این رنگ به عنوان رنگی محتاط، جدی و بزرگ جلوه می کند، معمولاً در موقعیت های رسمی و مهم از این رنگ استفاده می شود.

استفاده مداوم از رنگ سیاه باعث خستگی، افسردگی و دل سردی از فعالیت و زندگی می شود و ناامیدی را به همراه می آورد. این رنگ احساس سنگینی و عمق را ایجاد می کند؛ به طوری که مردم فکر میکنند جعبه های سیاه سنگین تر از جعبه های سفید هستند. همچنین رنگ سیاه نشان دهنده اقتدار است، داوران مسابقه ی فوتبال برای اینکه بتوانند در زمین قضاوت مقتدرانه ایی داشته باشند، معمولاً لباس هایی به رنگ سیاه می پوشند. ([www.akairan.com](http://www.akairan.com))

### آثار روانی رنگ سیاه :

از آن جایی که رنگ سیاه ممکن است باعث تهوع شود، از بکار گیری آن در هواپیما و کشتی خودداری می کنند. برخی می گویند رنگ سیاه، رنگی سبک و غلط انداز است اما در مقابل برخی بر این باورند که جلوه و ابهت بیشتری نسبت به رنگ های دیگر دارد؛ گویند نخستین بار ابومسلم خراسانی به این مسأله پی برد، او هر روز از لشکرش که لباس و پرچمی به یکی از رنگ ها چون سبز وزرد داشتند، روحیه ایی یکسان می دید و سرانجام رنگ سیاه را برای ایجاد اضطراب در دشمن برگزید ف از آن زمان به بعد به سپاه ابومسلم سیاه جامگان می گفتند. (پاکنژاد، ۱۳۶۳: ۱۰۱)

در صورتی که تعادل روحی انسان برقرار نباشد، ممکن است رنگ سیاه از جمله زمینه خودکشی را در فرد ایجاد کند. البته رنگ سیاه ف دارای اثرات مثبت نیز می باشد، که حتی ضروری و لازم به نظر می رسد. از آنجا که این رنگ، تحریکات روحی را تخفیف می دهد و رنگی صامت و غیر محرک است، لذا نه تنها وسیله ی جلب توجه دیگران نمی شود، بلکه کمک به انصراف و عدم توجه نیز می کند. پس رنگ سیاه به خاطر فقدان بازتاب نور، همیشه و در همه جا، آثار شوم و نامطلوب در زمینه روحی انسان برجای نمی گذارد، بلکه در مواردی مثلاً در عالم هنر، همانقدر ارزشمند و اثر پیدا می کند که سکوت در لابه لای اصوات و ألحان موسیقی. (یوزباشی، ۱۳۸۶: ۶۷۰)

### نتیجه گیری :

در قرآن کریم از رنگ ها از جمله رنگ سیاه سخن به میان آمده است و به برخی تأثیرات آنها پرداخته شده است. از جمله خصوصیات منفی رنگ سیاه بدبینی، خشونت، لجاجت و ظلمت، از جمله خصوصیات مثبت آن میتوان اقتدار، ابهت و بزرگی را نام برد.

با ذکر آیات مربوط به رنگ سیاه در قرآن، این رنگ با بار معنایی منفی در قرآن برای چهره جهنمیان و اهل عذاب با کار رفته که آن را بی رنگی مطلق می دانند. پس از بررسی گفتار دانشمندان و بزرگان در هر مورد به این نتیجه می رسیم که در مواردی می توان اعجاز علمی در رنگ ها را پذیرفت.

از آنجا که این رنگ، تحریکات روحی را تخفیف می دهد ف استفاده از حجاب سیاه در بانوان، در واقع از این اصل تبعیت می مند که باعث عدم توجه جنس مخالف می شود. همچنین انتخاب فطری سیاه پوشی در مقام عزا در حقیقت سمبل فقدان شور و ذوق بوده، همچنین می خواهد به دیگران اعلام کند که آمادگی برقراری روابط اجتماعی صمیمی، تحت این شرایط را ندارد. اقدام عمگانی جهت سیاه پوشی در سوگ ائمه اطهار به قصد تعظیم شعائر الهی، ارزشمند است.



### پیشنهاد

در این مقاله به موضوع رنگ سیاه از منظر قرآن و روانشناسی پرداختیم، لذا شما خوانندگان عزیز را دعوت می‌نمایم چنان که متمایل به تحقیق در این مباحث می‌باشید به تحقیق درباره اعجاز روانشناسی قرآن بپردازید.

### منابع

- ۱- جمالی، حسین (۱۳۹۰)، پاسخ به شبهات دینی، تهران: انتشارات مادوتا
- ۲- علامه طباطبایی (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه موسی همدانی، نشر بنیاد فکری علامه طباطبایی، جلد ۱۷
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، تفسیر نمونه، چاپ ۲۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۴- یوزباشی، عطیه (۱۳۸۶)، رنگ سیاه از منظر قرآن و روانشناسی، تهران

۵ - [www.akairan.com](http://www.akairan.com)